

An analysis of the Contrast between the Inquisition and the Examination of Doctrinal Competence in the Islamic System

 **Mohsen Javadi Sadr** /  Assistant Professor, the Department of Theology and Islamic Philosophy, Imam Hossein University
m.j.sadr@chmail.ir

Morteza Ebrahimi / PhD student in Jurisprudence and Fundamentals of Law, Islamic Azad University, Tehran Branch
morteza6767@chmail.ir

Received: 2025/02/16 - **Accepted:** 2025/04/09

Abstract

"Inquisition" is a concept that has its roots in the history of medieval Christianity. This theological concept has also been introduced into the religion of Islam. Jurists have, with documented evidence, considered the first ruling of the Inquisition to be impermissible, because the position of individuals' privacy is very important to the sacred lawgiver. On the other hand, government issues have also had a special place in the Islamic system from the past to the present, and sometimes, special secondary or governmental rulings have been stated to preserve the Islamic system. But sometimes, in order to achieve the goals of the Islamic system and entrust it with serious responsibilities, it is necessary to examine the religious qualifications of some individuals. Some supervisory institutions (such as the Guardian Council and recruitment and selection centers) are most affected by this issue. Therefore, a solution should be considered. The distinction of this research lies in the contrast between the theory of "inspection of beliefs" and the examination of individuals' religious competence, which does not allow individual views and unjustified intrusion into individuals' privacy. Using a descriptive-analytical method and library resources and Islamic science software, this research seeks to prove the permissibility of examining the authority of belief in issues related to the Islamic system. The results show that by correct explanation of the verses of the Quran, the hadiths, the life of the infallibles, the rule of "preserving the Islamic system" and the rule of "the most important and important", it is necessary for military and intelligence agencies to examine the doctrinal competence in some cases in order to prevent possible damage to the Islamic system. On the other hand, based on solid evidence, we believe that inquisition is not permissible.

Keywords: Inquisition, doctrinal authority, Islamic system.

نوع مقاله: ترویجی

واکاوی تقابل تفتیش عقاید و بررسی صلاحیت اعتقادی در نظام اسلامی

m.j.sadr@chmail.ir

morteza6767@chmail.ir

کماله محسن جوادی صدر  / استادیار گروه کلام و فلسفه اسلامی دانشگاه افسری امام حسین (ع)

مرتضی ابراهیمی / دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۰

دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۸

چکیده

«تفتیش عقاید» از مفاهیمی است که ریشه در تاریخ مسیحیت قرون وسطا دارد. این مفهوم کلامی در دین اسلام نیز وارد شده است. فقها با ادله مستند، حکم اولی تفتیش عقاید را عدم جواز دانسته‌اند؛ زیرا جایگاه حریم خصوصی افراد برای شارع مقدس بسیار اهمیت دارد. از سوی دیگر، مسائل حکومتی نیز از گذشته تا به امروز در نظام اسلامی جایگاه ویژه‌ای داشته و گاهی برای حفظ نظام اسلامی، احکام ثانوی یا حکومتی خاصی بیان شده است. اما گاهی برای پیشبرد اهداف نظام اسلامی و سپردن مسئولیت‌های خطیر، بررسی صلاحیت اعتقادی برخی افراد لازم است. برخی نهادهای نظارتی (نظیر شورای نگهبان و مراکز جذب و گزینش) بیش از همه به این مسئله، مبتلا هستند. بدین‌روی باید راهکاری اندیشیده شود. تمایز این پژوهش در تقابل نظریه «تفتیش عقاید» و بررسی صلاحیت اعتقادی افراد است که نگاه فردی و ورود بی‌سبب در حریم خصوصی اشخاص را جایز نمی‌داند. این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و نرم‌افزارهای علوم اسلامی، درصدد اثبات جواز بررسی صلاحیت اعتقادی در مسائل مبتلابه نظام اسلامی است. نتیجه پژوهش آن است که با تبیین درست از آیات قرآن، روایات، سیره معصومان (ع)، قاعده «حفظ نظام اسلامی» و قاعده «اهم و مهم»، بررسی صلاحیت اعتقادی در برخی موارد برای نهادهای نظامی و اطلاعاتی ضروری است تا از وارد شدن خسارت محتمل به نظام اسلامی پیشگیری شود. از سوی دیگر، طبق ادله متقن، قایل به عدم جواز تفتیش عقاید هستیم.

کلیدواژه‌ها: تفتیش عقاید، صلاحیت اعتقادی، نظام اسلامی.

مقدمه

است. قانون اساسی کشور ما نیز از این قاعده مستثنا نیست و تفتیش عقاید را ممنوع دانسته است.

این پژوهش بر آن است تا با بررسی و تبیین مبانی این مسئله و جوانب آن، از دیدگاه فقه امامیه، ابعاد مسئله در بُعد حکومتی را تبیین نماید. این نوشتار می‌تواند برای پاسخ‌گویی به برخی شبهات در این موضوع، نظیر منع تجویز حکومت اسلامی در تفتیش عقاید، نظارت استصوابی، سؤالات و تحقیقات گزینش افراد در مناصب مختلف و مانند آن کاربرد داشته باشد. هدف آن است که با روش کتابخانه‌ای، استفاده از منابع و نرم‌افزارهای علوم اسلامی و آثار علمی فقها، به بررسی و تبیین مبانی این مسئله و جوانب آن موضوع از منظر فقه امامیه بپردازیم تا ابعاد مسئله روشن گردد و مصادیق آن تبیین گردد.

۱. بررسی مفاهیم

واژه «تفتیش» از ماده «فتش» و مصدر باب تفعیل است که جوهری آن را به معنای جستن چیزی و خوب جست‌وجو کردن آن دانسته است (جوهری، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۱۰۱۴).

برخی نیز در تعریف حقوقی کلمه «تفتیش» چنین گفته‌اند: اقدامی است که برای به دست آوردن مدرک جرم اتفاق می‌افتد و موجب تجاوز به حق شخصی از طریق جست‌وجوی خودش یا محل زندگی‌اش، برای به دست آوردن اسرارش می‌گردد (جوخدار، ۱۹۷۷، ج ۱، ص ۱۵۴).

در فرهنگ معین، کلمه «تفتیش» به ضمیمه کلمه «عقاید»، به معنای «پرس‌وجو درباره عقاید دینی و سیاسی مردم برای شناسایی مخالفان» بیان شده است (ر.ک. معین، ۱۳۸۸).

به نظر می‌رسد معنای «تفتیش عقاید» همان چیزی است که در فرهنگ معین به آن اشاره شده، ولی صرفاً مراد شناسایی مخالفان نیست، بلکه در این پژوهش، مطلق پرس‌وجو درباره عقاید دینی و سیاسی افراد، مراد است.

۲. ادله عدم جواز تفتیش عقاید

انسان از یک‌سو، استقلال فردی دارد و از سوی دیگر موجودی اجتماعی است؛ زیرا در جامعه با دیگران ارتباطات گسترده‌ای دارد. این شیوه زندگی دوگانه انسان، هم باید جداگانه لحاظ شود و هم

«تفتیش عقاید» به معنای بازرسی و جست‌وجو در باورهای مردم، به اعمالی گفته می‌شود که اشخاص یا دستگاه‌های صاحب قدرت، افراد را به سبب باورهای آنان بازخواست می‌کنند. این مسئله از دیرباز مد نظر همه ادیان و جوامع بشری بوده و انسان‌های آزاداندیش - فی‌الجمله - با آن مخالفت کرده‌اند.

مشهورترین جریان تاریخی تفتیش عقاید در اروپای مسیحی بود. کلیدواژه «تفتیش عقاید» از دوران قرون وسطا پدید آمد و در برابر آزادی بیان، آزادی عقیده یا آزادی اندیشه قرار گرفت. تفتیش عقاید کار هیأت‌های داورى بسیار مجهز بود و کلیسای کاتولیک می‌کوشید از طریق آنها به یکپارچگی دینی مد نظر خود برسد. این روند از قرن دوازدهم و در کشور فرانسه آغاز شد و متهمان بسیاری در دادگاه‌های تفتیش عقاید، به ارتداد، شرک و جادوگری متهم شدند (بکراش، ۱۳۸۷، ص ۱۲۷).

اولین دادگاه‌های تفتیش عقاید در اسلام که به شکل هدفمند و برنامه‌ریزی شده به دنبال تأیید صلاحیت اعتقادات احاد امت اسلامی بودند، توسط مأمون خلیفه عباسی (۲۱۸-۱۹۳ق) برگزار گردیدند. وی که از فرهیخته‌ترین خلفای اسلامی و از پیشگامان نهضت گسترش علوم عقلی در عصر رونق اسلامی بود، اهل حدیث را گرفتار آزمون‌های عقیدتی دادگاه‌های تفتیش عقاید «روزگار محنت» کرد (ابن ندیم، بی‌تا، ص ۴۲۲).

این مسئله در ایران با تأسیس حکومت اسلامی، وضعیت پیچیده‌تری به خود گرفت. زندانیان سیاسی، شنود اطلاعاتی و تأیید صلاحیت نامزدها از جمله مسائلی هستند که بار دیگر بحث «تفتیش عقاید» را در میان متفکران و اندیشمندان یا حتی عموم مردم در ایران مطرح می‌کنند. آیا نهادهای حاکمیتی در ایران (سازمان اطلاعات سپاه، وزارت اطلاعات و نهادهای گزینشی) همان تفتیش عقاید قرون وسطایی هستند یا مسئله دیگری نظیر بررسی صلاحیت اعتقادی مطرح است؟

فارغ از جنبه‌های منفی تفتیش عقاید، کاربردهایی نیز برای آن قابل تصور است. تفتیش عقاید از حیث فردی و حکومتی، از مباحث بنیادی و کاربردی در جوامع بشری گذشته، امروز و آینده است که در بسیاری از کشورها، قوانین جزایی نیز برای آن در نظر گرفته شده

کرد؛ چنان که آیه شریفه بر این مسئله دلالت دارد که اهل ایمان مکلفاند به ظاهر حال دیگران توجه کنند و به دنبال باطن عمل، قول و فعل دیگران و تفتیش از احوال آنها نباشند که این اطلاق در آیه شریفه، دلالت بر عموم دارد.

۲-۲. منع اشاعه فحشا در قرآن

یکی دیگر از آیات محل استناد، آیه ۱۹ سوره نور است که چنین می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يُجِوْنُ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»؛ کسانی که دوست دارند کارهای بسیار زشت [مانند آن تهمت بزرگ] در میان اهل ایمان شایع شود، در دنیا و آخرت عذابی دردناک خواهند داشت و خدا [آنان را] می‌شناسد و شما نمی‌شناسید.

تعبیر «اشاعه فحشا» مفهوم وسیعی دارد که هرگونه نشر فساد و اشاعه زشتی‌ها و قبايح و کمک به توسعه آن را شامل می‌شود (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۰، ج ۱۴، ص ۴۰۳). چون انسان موجودی اجتماعی است، جامعه بزرگی که در آن زندگی می‌کند مانند خانه اوست و حریم آن نیز حریم خانه او محسوب می‌شود. پاکی جامعه به پاکی انسان و آلودگی آن به آلودگی وی منجر می‌شود. به همین علت، در اسلام با هر فعلی که فضای جامعه را آلوده کند، به شدت مبارزه شده است. در اسلام با گناه غیبت به شدت مبارزه شده؛ زیرا یکی از فلسفه‌های آن این است که غیبت عیوب پنهانی را آشکار می‌سازد و حرمت مؤمن را جریحه‌دار می‌کند. خطرات گناه آشکار بیش از گناه پنهان است، تا آنجا که در روایتی از امام رضا علیه السلام چنین آمده است: «وَالْمُدْيَعُ بِالسَّيِّئَةِ مَخْذُولٌ وَالْمُسْتَسْرِ بِالسَّيِّئَةِ مَعْفُورٌ لَهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۲۸).

همین مسئله درباره تفتیش عقاید در جامعه نیز وجود دارد و مصداق بارز اشاعه فحشا در جامعه، تجسس و تفتیش عقاید از مسلمانان است؛ زیرا ممکن است در نگاه اول، تفتیش عقاید سبب اشاعه فحشا نباشد یا ملازم با اشاعه نباشد، اما به مرور زمان، آثار و تبعات آن در جامعه اسلامی، دامنگیر مردم خواهد شد که می‌توان از آیه شریفه، حکم اولی عدم جواز تفتیش عقاید را استنباط کرد.

۲-۳. اکتفا به حال ظاهر در روایت

روایت امام صادق علیه السلام: «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ

گریزی از جمع بین آن دو نیست. از هر سو که بنگریم، به خاطر این دو جنبه مذکور، حقوقی شامل انسان می‌گردد که هم خود او و هم دیگران ملتزم به آن هستند. درواقع، «عدم مداخله در حریم شخصی دیگران» به معنای تجسس و تفتیش عقاید، در ۱۴۰۰ سال پیش از این، در آموزه‌های ارزشمند اسلام مطرح نظر قرار گرفته، درحالی که بسیاری از تمدن‌های روز دنیا امروزه داعیه‌دار آن هستند.

در آیات قرآن کریم، سنت پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار و سیره مسلمانان، توصیه‌های فراوانی به پرهیز از نقض مصادیق گوناگون حریم خصوصی افراد وجود دارد. اصطلاحاتی که در آیات و روایات درباره مقابله با تفتیش عقاید به کاررفته، عناوینی نظیر «ممنوعیت تجسس و عیب‌جویی از مردم»، «ممنوعیت سوء ظن» و مانند آن (حجرات: ۱۲؛ همزه: ۱)، تمام ادله‌ای که در حرمت تجسس و ورود به حریم خصوصی دیگران بدان‌ها استناد شده، در اینجا نیز جریان دارد؛ زیرا سخن از اعتقادات درونی افراد مطرح شده است و می‌توان گفت: به طریق اولی، ادله عدم جواز تجسس شامل بحث «تفتیش عقاید» نیز می‌شود. رابطه «تجسس» و «تفتیش عقاید» عموم و خصوص مطلق است؛ دایره تجسس عام است و تفتیش عقاید نیز زیرمجموعه آن قرار می‌گیرد که به برخی از ادله آن اشاره می‌کنیم:

۲-۱. منع تجسس در قرآن

خداوند متعال در قرآن کریم، به صراحت، تجسس و تفتیش عقاید را تحریم کرده، این گونه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لَا تَجَسَّسُوا... وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ» (حجرات: ۱۲)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمان‌ها اجتناب کنید؛ زیرا بعضی از ظن‌ها گناه است و تجسس نمایید... و تقوای الهی پیشه کنید، که خداوند تحقیقاً بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.

قوام زندگی انسان‌ها به آبرو، حیثیت و شخصیت اجتماعی آنان است. بنابراین، از بین بردن آبرو و آلوده ساختن «شخصیت اجتماعی» و هتک حرمت هرکس، به منزله از بین بردن حیات اوست. سلب آبروی هرکس به وسیله تفتیش عقاید، مساوی با اعدام شخصیت اجتماعی اوست و عقل سلیم آن را نمی‌پذیرد. بر اساس آیه شریفه، به طریق اولی می‌توان نهی از تفتیش عقاید را استنباط

عامه بر مردم است و وزارت امنیت و اطلاعات نامیده شده است. این ارگان برنامه‌های ویژه‌ای دارد که بتواند روش‌های کمی و کیفی تجسس را انجام دهد. به دلیل اینکه مسئله مزبور برخلاف حکم اولی است، از راه عروض عناوین ثانویه قوی‌تر ثابت شده است» (مشکینی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۲۹).

ابتدا لازم است حدود و ثغور اختیارات حاکم اسلامی بررسی شود تا بهتر بتوان این موضوع را بررسی کرد. نراقی در اذن کلی حاکم اسلامی چنین آورده است که سرپرستی تمام آنچه برای فقیه عادل وجود دارد و نسبت به آن ولایت دارد، در دو امر است:

۱. تمام مواردی که برای نبی و امام بوده و نسبت به آن ولایت داشته‌اند برای فقیه نیز ثابت است، مگر اموری که با دلیل اجماع، نص و غیر آن از این دایره خارج شده باشند.

۲. تمام کارهایی که به بندگان خدا در امور دین و دنیا تعلق دارد و چاره‌ای جز انجام آنها نیست و راه‌گریزی ندارد، خواه به واسطه عقل یا عرف واجب شده و امور این دنیا و آخرت آنان به آن وابسته است و یا اموری که مربوط به یک نفر است یا اموری که متعلق به تمام مردم است و برپایی نظم دنیوی و اخروی مردم به آن بستگی دارد (نراقی، ۱۴۱۷ق، ص ۵۳۶).

این سخن مرحوم نراقی نشانگر آن است که با تشخیص حاکم شرع، حرمت اولی برخی امور در شرایط خاص، بر اساس حکم ثانوی یا حکومتی برداشته خواهد شد و می‌توان حکم جواز آن را صادر کرد و بالعکس، امکان دارد امور مردم و نظم در زندگی فردی و اجتماعی آنان به مخاطره نیفتد. البته از سخن مرحوم نراقی صرفاً جواز بررسی صلاحیت اعتقادی در شرایط خاص را می‌توان برداشت کرد و بحث ما در رابطه با جواز کلی حکم حکومتی بررسی صلاحیت اعتقادی است. امام خمینی^۳ «احکام سلطانی» را در مرتبه حکم اولی می‌داند و قائل است به اینکه احکام سلطانی از تعزیرات شرعی خارج است و در حکم اولی است و متخلفان را می‌توانند به مجازات‌های بازدارنده - به امر حاکم و یا وکیل او - مجازات کنند (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۴۷۳). ما نیز مطابق نظر امام خمینی^۴ «حکم حکومتی» را همان حکم اولی می‌دانیم و مطابق همین مبنای ادله جواز بررسی صلاحیت اعتقادی در مسائل خاص نظام اسلامی را بیان می‌کنیم.

برای اثبات جواز این مسئله در نظام اسلامی، چند دلیل می‌توان اقامه کرد:

بْنِ یَحْیٰی عَنْ عَلِیِّ بْنِ السُّدِّیِّ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِیْسَى عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ فَضْلِ مَوْلٰی مُحَمَّدِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: قُلْتُ: إِنِّي تَزَوَّجْتُ امْرَأَةً مُتَعَةً فَوَقَعَ فِي نَفْسِي أَنْ لَهَا زَوْجًا فَفَتَّشْتُ عَنْ ذَلِكَ فَوَجَدْتُ لَهَا زَوْجًا، قَالَ: «وَلَيْمَ فَتَّشْتُ؟» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۲۵۳؛ عاملی، ۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۱)؛ شخصی از امام صادق^۵ سؤال کرد: من زنی را با عقد موقت تزویج کردم و گمان نمودم که او همسر دارد و در این باره تفتیش کردم. سپس متوجه شدم که او متأهل است. حضرت فرمودند: چرا تجسس کردی؟

این روایت ضعیف‌السند است. مضمون روایت دلالت دارد بر اینکه باید به‌ظاهر حال مسلمان اکتفا کرد و نباید به تفتیش از باطن احوال او پرداخت.

به نظر می‌رسد حکمت این سؤال امام (و لیم فتشت؟) مقابله با تفتیش عقاید و برخورد با بردن آبروی دیگران باشد. البته روایات باب تجسس در کتب معتبر روایی بسیار است که می‌توان در حرمت حکم اولی تفتیش عقاید از آنها بهره‌برداری گرفت (ر.ک. کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۵۵-۳۵۴). پس مجموعه ادله که پژوهش شد، حاکی از آن است که در نظر شرع مقدس اسلام، تفتیش عقاید به حکم اولی، جایز نیست. حقوق افراد جامعه محترم است و نباید اسرار آنان فاش گردد و حفظ اعراض از امور مهم نزد شارع است.

۳. ادله جواز بررسی صلاحیت اعتقادی

بعد از بررسی ادله حکم اولی حرمت تفتیش عقاید، سخن از ادله جواز بررسی صلاحیت اعتقادی مطرح می‌شود. اسلام با تفتیش عقاید مخالف است و این مسئله در قسمت قبل اثبات شد. حال برای مسائل مبتلابه نظام اسلامی در جذب و گزینش افراد و سپردن مسائل کلیدی حکومت به برخی اشخاص، نیاز به بررسی صلاحیت اعتقادی آنان مطرح می‌شود که نیاز به چاره‌اندیشی دارد.

آیت‌الله مشکینی بعد از بحث تجسس و سخن از حرمت حکم فردی آن، چنین می‌گوید: «آنچه در رابطه با تجسس حرام گفته شد، تجسس مسلمانان و مؤمنین در مورد یکدیگر است، درحالی که مراد ما تبیین مصداقی از تفتیش و تجسس جایز یا واجب است و آن مربوط به زمانی است که ولی‌امر مسلمانان و کسانی که منصب حکومت اسلامی را بر عهده دارند، برای تصدی و انجام امورات حکومت، ارگان مستقلی را راه‌اندازی کرده‌اند که از شعوب ولایت

۳-۱. آیات قرآن

در زمینه بررسی صلاحیت اعتقادی به صورت صریح آیه‌ای بیان نشده است، اما درباره جایگاه نظارت و بازرسی آیاتی داریم که بررسی صلاحیت اعتقادی در برخی موارد، از لوازم آن است. بر اساس آموزه‌های اسلامی، نظارت و بازرسی از سنت‌های الهی است که به دو آیه شریفه در این باره اشاره می‌کنیم:

۳-۱-۱. آگاهی پیامبر و امامان از اعمال امت

«وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَ سَتُرَوْنَ اِلٰى عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (توبه: ۱۰۵)؛ و بگو: عمل کنید! خداوند و فرستاده او و مؤمنان اعمال شما را می‌بینند و به‌زودی به سوی دانای نهان و آشکار بازگردانده می‌شوند.

در میان پیروان مکتب اهل بیت^{علیهم‌السلام}، با توجه به اخبار فراوانی که از امامان معصوم^{علیهم‌السلام} رسیده، عقیده مشهور این است که پیامبر اکرم^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} و امامان معصوم^{علیهم‌السلام} از اعمال همه امت آگاه می‌شوند؛ یعنی خداوند از طرق خاصی اعمال امت را بر آنها عرضه می‌دارد. مسئله «عرض اعمال» اثر تربیتی ویژه‌ای در معتقدان به آن دارد؛ زیرا هنگامی که من آگاه باشم علاوه بر خدا - که همواره ناظر من است - پیامبر و پیشوایان دین^{علیهم‌السلام} نیز هر روز یا هر هفته از هر کاری که انجام می‌دهم، در هر مکانی باشد، آگاه می‌شوند، بی‌شک بیشتر مراعات می‌کنم و مراقب اعمال خود خواهم بود (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۲۵۱).

۳-۱-۲. لزوم وجود نظارت قوی در نظام اسلامی

«وَ كَذٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِیْنَ الْاِنْسِ وَ الْجِنِّ يُوحِیْ بَعْضُهُمْ اِلٰى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَ لَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَفْعَلُوْهُ فَفَدَرٰهُمْ وَ مَا يَفْتَرُوْنَ» (انعام: ۱۱۲)؛ این چنین در برابر هر پیامبری، دشمنی از شیاطین انس و جن قرار دادیم. آنها برای اغفال مردم، به صورت سری و درگوشی با یکدیگر سخنان فریبنده و بی‌اساس می‌گویند.

یکی از حیاتی‌ترین ارکان مدیریت سالم و کارآمد در نظام اسلامی، وجود نظارت و بازرسی دقیق است؛ زیرا نظارت صحیح می‌تواند از بسیاری مفاسد جلوگیری کند. در آموزه‌های دینی، اسلام به‌مثابه «دین نفوذناپذیر» معرفی شده است. هریک از افعال و امور متعددی که قرآن کریم به شیطان نسبت داده است، به یکی از

جنبه‌های نفوذ اشاره دارد. قرآن کریم در یک آیه، به صراحت، لفظ «شَیَاطِیْنَ الْاِنْسِ» را به کار برده است که به صورت مخفیانه بین مردم نفوذ می‌کند.

حال با توجه به این مسئله مهم که در هر عصری وجود دارد، نظارت قوی تشکیلاتی برای مقابله با شیاطین انس لازم است. به‌همین سبب، لزوم بررسی صلاحیت اعتقادی در برخی موارد، ضروری است و می‌توان از همین دلیل قرآنی برای لزوم بررسی صلاحیت اعتقادی در امور حکومتی نیز استفاده کرد.

۳-۲. سیره معصومان^{علیهم‌السلام}

یکی دیگر از ادله‌ای که در جواز حکم حکومتی بررسی صلاحیت اعتقادی می‌توان از آن بهره گرفت، مسئله جواز حضور جاسوس و مراقب در سیره معصومان^{علیهم‌السلام} است که برای پیروزی و نصرت جبهه اسلام در زمان جنگ، از آن استفاده می‌شد (ابن هشام، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۸۲؛ عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۵، ص ۶۰). در زمان صلح نیز مراقبانی در بین مسئولان و مردم حضور داشتند تا با تجسس از احوالات آنان، مانع بروز مشکلات شوند و نظارت جدی‌تری در این عرصه داشته باشند؛ زیرا حفظ نظام اسلامی در برابر تهدیدات دشمنان، از مهم‌ترین مصالح به‌شمار می‌رود و آیه ۶۰ سوره انفال نیز مؤید این موضوع است. امیرالمؤمنین^{علیه‌السلام} در نامه خود به مالک اشتر چنین دستور می‌دهند: «جاسوسانی راستگو و وفایسته بر آنان بگمار؛ زیرا مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آنان، سبب امانت‌داری و مهربانی با رعیت خواهد بود. و از کارکنان مراقبت کن، و اگر یکی از آنان دست به خیانت زد و گزارش جاسوسان تو نیز آن خیانت را تأیید کرد، به همین مقدار گواهی قناعت کرده، او را کیفر کن؛ اموالی را که در اختیار دارد از او بازپس گیر، سپس او را خواردار و خیانتکار بشمار و طوق بدنامی بر گردن او بیفکن» (نهج البلاغه، ۱۳۸۱، نامه ۵۳).

امام^{علیه‌السلام} در این جملات تأکید می‌ورزند که مأموران مخفی باید از میان افراد راستگو، درستکار و وفادار انتخاب شوند و در ضمن سخن، فلسفه این کار را نیز بیان می‌فرمایند. البته ذکر این نکته نیز ضروری است که جاسوسان از سوی حاکم شرعی یا قضات مأموریت یافته‌اند و آنان باید در صورت نیاز، با مجوز شرعی اقدام به بررسی صلاحیت اعتقادی نمایند و باید دقت کنند که در امور بیرون از اختیارات خود، هیچ دخالتی نداشته باشند.

۴. وجوب حفظ نظام اسلامی

ابتدا تعریفی از «نظام اسلامی» ارائه می‌دهیم تا بدانیم که واجب بودن حفظ نظام اسلامی به چه معناست و ارتباط آن با بحث ما چیست؟ «نظام» یک مفهوم عام دارد و یک مفهوم خاص. در مفهوم عام، به معنای سامان داشتن زندگی مردم و استقرار نظم و عدالت در جامعه است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۵۷۸) که در اصطلاح، به آن «نظم عام / کلان اجتماعی» گفته می‌شود و در مفهوم خاص، شامل نظام‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی می‌شود، به گونه‌ای که حفظ یا اختلال هر یک از آنها به حفظ یا اختلال آن نظام عام و کلان می‌انجامد.

گاهی نیز به معنای «حدود و ثغور یا کیان کشور و سرزمین‌های اسلامی»، «حکومت یا نظام سیاسی»، «بیضه یا مرکزیت جامعه مسلمانان» و «نظام اسلامی» به کار می‌رود (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۳۷؛ نائینی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴۲).

نکته قابل تأمل دیگر اینکه مفهوم «حفظ نظام» نیز در سه معنای متفاوت استعمال شده است:

۱. حفظ نظام اجتماعی و نظم عمومی (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۳۷)؛ فقها در اصطلاح، به آن «واجبات نظامیه» نیز می‌گویند (نائینی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴۲).

۲. حفظ اساس اسلام؛ وجوب حفظ کشور اسلامی و جان و مال و ناموس مسلمانان از خطر تعرض دشمنان اسلام و بیگانگان یکی از مسائل مهم، مسلم و متفق علیه میان فقهای شیعه، بلکه تمام مسلمانان است. فقیهان شیعه دفاع در مقابل بیگانگان را بی هیچ قید و شرطی بر همگان واجب می‌دانند (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۹۰؛ نائینی، ۱۴۲۴ق، ص ۴۰).

۳. حفظ حکومت اسلامی؛ دو معنای اول مکرر در ابواب فقهی مطرح شده و محل استناد قرار گرفته است.

یکی از محققان، «نظام اسلامی» را چنین تعریف کرده است:

سازمان دین موجودیت و استقرار حاکمیت اسلام است و در تعبیر دیگری، شامل ایدئولوژی و محتوای دین، سازمان‌های عهده‌دار آن، موجودیت عینی دین در جامعه و حالت استیلا، جو حاکم و نفوذ معنوی و اجرایی اسلام در عینیت جامعه می‌باشد (عمید زنجانی، ۱۳۸۴، ج ۸، ص ۳۵).

۴-۱. از نظر عقلی

ضرورت عقلی تشکیل حکومت اسلامی امری بدیهی است؛ زیرا اگر حکومتی نباشد، بی‌نظمی حاصل از آن موجب از میان رفتن مصالح و منافع فردی و اجتماعی می‌شود. در این میان، اندیشمندان مسلمان معتقدند: تشکیل حکومت علاوه بر ضرورت عقلی، ضرورت شرعی نیز دارد؛ زیرا احکام اجتماعی اسلام را جز در صورت تشکیل حکومت نمی‌توان اجرا کرد.

آیت‌الله جوادی آملی در این باره می‌گوید:

اصل حکومت امری است عقلی که عقل ضرورت آن را به خوبی درک می‌کند و عقلا نیز به استناد ضرورت عقلی، آن را می‌پذیرند و چیزی که برهان عقلی محض بر آن اقامه شود، حکم شرعی خواهد بود. از سوی دیگر، دلیل نقلی نیز آن را امضا نموده، شرایط و اوصاف لازم را به صورت تفصیلی بازگو می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۶۸، ص ۳۳۳).

امام خمینی^{۱۱} در کتاب *المکاسب المحرمه* به مسئله اخلال در نظام اسلامی اشاره کرده، چنین می‌گوید: «مسئله این است که حفظ نظام اسلامی واجب است یا اخلال به آن حرام می‌باشد» (موسوی خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۳۰۴).

با توجه به ادله مطرح شده، قطعاً نظر امام خمینی^{۱۲} ارجح است؛ زیرا علاوه بر وجوب حفظ نظام، حتی اخلال در نظام نیز حرام است و با در نظر گرفتن تمامی مصالح، این نظریه کامل‌تر است. این قاعده فقهی برگرفته از روایاتی است که بر وجوب جهاد و بذل جان در جهت حفظ بیضه اسلام در صورت خوف از به خطر افتادن اصل اسلام تأکید نموده‌اند.

۴-۲. از نظر روایات

یکی از روایاتی که در این عرصه می‌توان بدان پرداخت، این روایت کتاب *الکافی* است: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا^{۱۳} قَالَ: ... يُرَابِطُ وَ لَا يُقَاتِلُ وَ إِنْ خَافَ عَلَى بَيْضَةِ الْإِسْلَامِ وَ الْمُسْلِمِينَ قَاتِلَ فَيَكُونُ قِتَالُهُ لِنَفْسِهِ وَ لَيْسَ لِلْإِسْلَامِ. قَالَ: قُلْتُ: فَإِنْ جَاءَ الْعَدُوُّ إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي هُوَ فِيهِ مُرَابِطٌ، كَيْفَ يَصْنَعُ؟ قَالَ: يُقَاتِلُ عَنْ بَيْضَةِ الْإِسْلَامِ، لَا عَنْ هَوَالٍ؛ لِأَنَّ فِي دُرُوسِ الْإِسْلَامِ دُرُوسَ دِينِ مُحَمَّدٍ^{۱۴}» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۱)؛ از مرزا پاسداری کند، اما نجنبند؛ ولی اگر کیان اسلام و مسلمانان در خطر بود، بجنگد که در

این صورت، جنگیدن برای خود اوست، نه به نفع سلطان. من گفتم: اگر دشمن به مرزها رسید، چه کاری انجام دهیم؟ فرمود: برای دفاع از کیان اسلام بجنگید، نه به‌خاطر سلاطین جور؛ زیرا اگر کیان اسلام متلاشی شود، دین محمد ﷺ نیز محو خواهد شد.

در ابتدای سند روایت علی بن ابراهیم بن هاشم آمده که وی امامی و ثقه است و جلالت مقام او نیاز به توضیح ندارد. محمد بن عیسی بن عبید نیز امامی و ثقه است (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۳۳). یونس بن عبدالرحمن نیز امامی و ثقه و از اصحاب اجماع است (طوسی، ۱۳۸۱، ص ۵۰۱). در مجموع، این روایت صحیح و مسند است.

دلالت این روایت بر حفظ نظام اسلامی (به‌معنای جامعه اسلامی) و فراتر از آن، یعنی حرمت اخلال در نظام اسلامی تمام است؛ زیرا در فقه امامیه «حفظ نظام» یکی از عناوین ثانوی بوده و در موارد متعددی از آن یاد شده و به «تأمین حقوق مردم» و «تأمین نیازهای مردم» تفسیر شده است (عراقی، ۱۴۱۴ق، ص ۷؛ اصفهانی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۱۱).

علاوه بر این روایات، دلیل وجدانی و عقلی حکم می‌کند که برای حفظ نظام اسلامی و پاسداری از آن، باید از حيله‌ها و کینه دشمنان دوری جست و نسبت به تصمیم‌گیری‌ها و تحرکات آنان، دقت و مراقبت دائم داشت. حفاظت و صیانت از نظام مسلمانان از اموری است که شرع مقدس اسلام بدان توجه ویژه داشته و آن را بر دولت و مردم واجب شمرده است. بنابراین تهیه مقدمات آن نیز بنا بر حکم عقل و فطرت انسانی، واجب شمرده می‌شود.

عقل و فطرت سلیم مراعات مصالح عمومی را به‌منظور اجتماعی زیستن، ضروری می‌داند و اصولاً لازمه غیرقابل انفکاک اجتماعی زیستن «نظام‌مندی» است. بنابراین حفاظت از نظام جامعه انسانی لازم است. امیرالمؤمنین ﷺ زمانی که برای جنگ جمل رهسپار شدند، درباره وجوب حفظ نظام، به یاران خود چنین فرمودند: «این گروه بر ضد حکومت من هم‌پیمان شده‌اند. فقط مادام که بر وحدت و نظام شما احساس خطر نکنم، صبر خواهم کرد؛ زیرا اگر اینان این رأی نادرست و ضعیف خود را عملی کنند، نظام مسلمانان به هم خواهد خورد» (نهج البلاغه، ۱۳۸۱، خطبه ۱۶۹).

در دوران خلافت عمر بن خطاب، هنگامی که بین مسلمانان با ایران ساسانی جنگ درگرفت، عمر از امیرالمؤمنین ﷺ مشورت خواست که آیا بهتر است شخصاً در جبهه جنگ حضور یابد و یا در مدینه

بماند؟ آن حضرت پاسخی دادند که از آن برمی‌آید «حفظ نظام مجتمع اسلامی» کاری واجب است. آن حضرت فرمودند: «جایگاه سرپرست امور در میان جامعه، همچون نقش نخ است که دانه‌های تسبیح را دور خود جمع کند و آنها را از پراکندگی حفظ نماید. هرگاه نخ پاره شود، دانه‌ها نیز از هم خواهند پاشید و هرکدام به سویی خواهند افتاد که هرگز دور هم جمع نشوند» (نهج البلاغه، ۱۳۸۱، خطبه ۱۴۶).

از امیرالمؤمنین ﷺ درباره جایگاه امامت و حفظ نظام اسلامی چنین نقل شده است: «خداوند ایمان را برای پاک شدن از آلودگی شرک، فرض گردانید، ... و امامت را به‌عنوان محور و نظام امت، و اطاعت را برای بزرگداشت مقام امامت واجب گردانید» (نهج البلاغه، ۱۳۸۱، حکمت ۲۵۲).

با توجه به این روایات و روایات دیگری که در این باره به ما رسیده - و به‌سبب کثرت و تواتر معنوی آنها، نیازی به بررسی ندارد - چنین معلوم می‌شود که حفظ نظام یکی از واجبات اسلامی مهم است. بنابراین، فراهم آوردن مقدمات آن نیز واجب است. روشن است که مراقبت دشمنان در قالب تجسس و پی‌جویی از برنامه‌های آنان، از جمله مقدمات مهم «حفظ نظام مسلمانان و حرمت اختلال در آن» به‌شمار می‌رود که اشاره به جنبه بیرونی حکومت اسلامی دارد. در داخل حکومت نیز می‌توان کاربردهای فراوانی برای آن برشمرد که بررسی صلاحیت اعتقادی یکی از آنهاست.

۳-۴. از نظر فقهی

قاعده «اهم و مهم» که به آن «قاعده تراحم» نیز گفته می‌شود، از قواعد اساسی و بسیار پرکاربرد در ابواب گوناگون فقه، نظیر بحث حاضر است. مهم‌ترین دلیل قاعده «اهم و مهم» عقل است که بدان قدرت داده و مشروعیت بخشیده است. عقل بشری می‌گوید: هنگام مواجهه با دو موضوع که یکی مهم و دیگری مهم‌تر است و تنها امکان انجام یا ترک یکی از آنها میسر است، باید در وظایف، مهم‌تر را انتخاب کرد و مهم را فدای آن نمود. شرع مقدس نیز بر حکم عقل صحه گذاشته، مشروعیت و قدرت آن را تأیید می‌کند. در قرآن کریم و روایات اهل‌بیت ﷺ نیز مصادیقی دال بر مشروعیت این قاعده بیان شده است (بقره: ۲۱۹؛ نهج البلاغه، ۱۳۸۱، حکمت ۲۷۹؛ عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۲۸۶).

برای آگاهی از عقاید برخی افراد و کشف برخی حقایق پنهان،

و ستادهای جذب و گزینش در ادارات و نهادهای اطلاعاتی (نظیر وزارت اطلاعات و حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) بدون اذن حاکم، حق بررسی صلاحیت اعتقادی ندارند و این مسئله با تفتیش عقاید که در اسلام از آن نهی شده، متفاوت است.

نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث مطرح‌شده می‌توان گفت: در مواجهه با حریم خصوصی افراد، تفتیش عقاید جایز نیست. از سوی دیگر، در تدبیر مسائل حکومتی برای نهادهای نظارتی و اطلاعاتی که مبتنی بر نظارت دقیق و شفاف است، راهکاری جز جواز بررسی صلاحیت اعتقادی نیست؛ اما لازم است دقیق و در چارچوب شرع مقدس اسلام باشد و تخطی از آن نیز جایز نیست.

این پژوهش برای اولین بار به مسئله تقابل تفتیش عقاید و بررسی صلاحیت اعتقادی در مسائل مبتلابه نظام اسلامی پرداخته و تفتیش عقاید را از یک‌سو مطابق ادله اربعه حرام دانسته و از سوی دیگر، قائل به جواز فقهی مسئله بررسی صلاحیت اعتقادی در مسائل مبتلابه حکومت اسلامی است. در این زمینه، ادله وجوب حفظ نظام اسلامی، جایگاه دلیل عقل، جایگاه نظارت، سیره معصومان (ع) و قاعده «اهم و مهم» برای اثبات نظریه مزبور بررسی و تبیین شد.

در جایی که مصلحت موجود در لزوم انجام بررسی صلاحیت اعتقادی و تفحص از حریم خصوصی افراد و اعتقادات آنان، از مفسده آن مهم‌تر باشد، قاعده «تقدیم اهم بر مهم» جاری است. شیخ انصاری در مسائل فقهی مهم، نظیر مستثنیات غیبت، از این قاعده استفاده کرده است (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۵۱).

در بحث مذکور نیز می‌توانیم جواز حکم حکومتی بررسی صلاحیت اعتقادی را از این قاعده به‌دست آوریم و هنگام تراحم بین حریم خصوصی و زندگی شخصی مردم و لزوم تفتیش عقاید، از باب تراحم، قائل به جواز ترجیح و تقدیم اهم باشیم که همان حکم ثانوی جواز، در موضوع بررسی صلاحیت اعتقادی است.

لازم به ذکر است که تشخیص اهم بودن بررسی صلاحیت اعتقادی کار دشواری است و برای این تشخیص، دقت بسیاری لازم است.

به نظر می‌رسد در بررسی حکم صلاحیت اعتقادی، مصالح نظام اسلامی که شارع مقدس بر آن تأکید ویژه‌ای داشته، دارای درجه اهم است و حفظ حریم خصوصی افراد دارای درجه مهم‌تری است. پس قائل به جواز حکم حکومتی بررسی صلاحیت اعتقادی در مسائل خاص حکومتی هستیم. از این‌رو ادله مطرح‌شده در باب جواز حکم حکومتی بررسی صلاحیت اعتقادی را برای حفظ کیان اسلام می‌پذیریم و لازم می‌دانیم که همواره قانون «لزوم تقدیم اهم بر مهم» لحاظ گردد.

۵. یافته پژوهش و قول نهایی

بعد از بررسی اقوال و سخنان مختلف به نظر می‌رسد همان‌گونه که امام خمینی (ره) نیز اشاره کرده (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۴۹۷)، حفظ نظام و کیان مرزهای اسلامی و حفاظت از جریانات انحرافی در اسلام و جلوگیری از تبلیغات ضداسلام و مواردی از این قبیل، از روشن‌ترین امور حسیه است و امکان ندارد که بتوان به این حسیه‌ها مشارالیه دست یافت، مگر اینکه نظام اسلامی تشکیل شود. به نظر می‌رسد شارع مقدس راضی به ترک حدود و دیات در دوران غیبت نیست. بنابراین حکومت دینی همان حکومتی است که دین، ولایت و سرپرستی آن را بر عهده دارد. در این نوع حکومت، اعمال ولایت دینی بر جامعه، تنها از طریق حاکم دین‌شناس صورت می‌گیرد. با توجه به نیازهای حاکمیتی، گاهی جواز حکم حکومتی بررسی صلاحیت اعتقادی از ابزارهای لازم برای حاکم شرع است که حدود و ثغور آن نیز در حیطه نظر اوست و نهادهای نظارتی نظیر شورای نگهبان

نائینی، محمدحسین (۱۴۲۴ق). تنبیه الأئمة و تنزیه الملة. قم: مؤسسة النشر الاسلامی.

نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷ق). رجال النجاشی. قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۷ق). عوائد الایام فی بیان قواعد الأحکام و مهمات مسائل الحلال و الحرام. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

منابع.....

قرآن کریم.

نهج البلاغه (۱۳۸۱). ترجمه محمد دشتی. قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع).

انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق). کتاب المکاسب. قم: تراث شیخ الاعظم.
ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
ابن ندیم، محمد بن اسحاق (بی تا). الفهرست. بیروت: دار المعرفه.
ابن هشام، عبدالملک (۱۴۰۹ق). السیره النبویه. ط الثانية. بیروت: دار الکتاب العربی.

اصفهان، محمدحسین (۱۴۰۹ق). الاجاره. قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
بکراش، دبور (۱۳۸۷). تفتیش عقاید. تهران: ققنوس.
جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۸). ولایت فقیه؛ رهبری در اسلام. چ دوم. تهران: رجا.

جوخدار، حسن (۱۹۷۷). شرح قانون اصول المحاکمات الجزائیه. بیروت: دار الثقافة للنشر و التوزیع.

جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۴ق). الصحاح. بیروت: دار العلم للملایین.
طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). تهذیب الاحکام. تحقیق حسن خراسان. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). الخلاف. قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۱). رجال الطوسی. تحقیق محمدصادق بحر العلوم. قم: شریف الرضی.

عاملی، محمد بن مکی (۱۴۰۳ق). وسائل الشیعه. تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
عراقی، ضیاء الدین (۱۴۱۴ق). کتاب القضاء؛ شرح تبصرة المتعلمین. تحقیق محمد حسون. بی جا: بی نا.

عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۴). قواعد فقه سیاسی مصلحت. تهران: امیرکبیر.
کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تصحیح علی اکبر غفاری و محمدآخوندی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

مشکینی، علی اکبر (۱۳۸۶). مصطلحات الفقه. تحقیق حمید احمدی جلفایی. قم: دار الحدیث.

معین، محمد (۱۳۸۸). فرهنگ فارسی معین. چ بیست و ششم. تهران: امیرکبیر.

مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۸۰). تفسیر نمونه. چ سی و دوم. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۴۲۱ق). کتاب البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).

موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۴۱۵ق). المکاسب المحرمه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).

موسوی خمینی، سیدروح الله (بی تا). صحیفه نور. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).

نائینی، محمدحسین (۱۴۱۳ق). المکاسب و البیع، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.